



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: نوآوری در فقه/بانکداری/ریا

بختمان درباره ربا و حیل ربا بود، چند مطلب را به عنوان ریشه بحث مطرح می کنیم؛ اولین مطلب در مورد فلسفه حرمت ریاست، باید توجه داشته باشیم که احکام شرعی اسلام بر اساس تأمین مصالح فرد و جامعه تشریح شده است به این معنا که خداوند حکیم همه کارهای خود را بر اساس حکمت و مصلحت انجام می دهد و لذا تمام احکام و قوانینی که از جانب خداوند متعال برای بندگانش تشریح شده بر اساس حکمت و مصلحت می باشد و اگر اینطور نباشد می شود عبث و خداوند متعال از انجام کار عبث منزه می باشد، هر عملی که اسلام واجب کرده در انجامش مصلحتی وجود دارد و لازم است برای تأمین مصالح مورد نظر شارع واجبات را به انجام برسانیم و هر عملی را که حرام کرده بر این پایه است که دارای ضرر و مفسده است لذا لازم است برای احتراز از مضرات و مفسد محرمات را ترک کنیم، با توجه به قران و روایات مضرات و مفسد ربا زیاد هستند که بعضی از آنها را ذکر می کنیم؛ اول اینکه ربا خواری ظلم است و ظلم ستیزی و عدالت خواهی از اصول اساسی و خدشه ناپذیر اسلام و جزء رسالت پیغمبران خداست و برقراری عدل مهم ترین هدف اقتصادی اسلام است و چون ربا خواری با این اصل در تضاد است اسلام آن را حرام کرده، معامله ای که در برگرفته ریاست در واقع تضییق حقوق انسان است، خلاصه اسلام می خواهد جامعه ای را بر اساس عدل و انصاف و محبت و الفت و صداقت پی ریزی کند ولی ربا با این کار مخالف است، آیات ۲۷۳ الی ۲۸۰ از سوره بقره با تشویق بر انفاق و کمک به محرومان جامعه آغاز می شود و ثواب و فضیلت

این کار را تذکر می دهد و ربا دقیقاً در مقابل انفاق قرار دارد.

در دین اسلام منشأ مالکیت یا کار ساده است و یا سرمایه و کار است، اول کار ساده یا توأم با صنعت نوعی اصالت دادن به کار است و اینکه شخص کار کند و زحمت بکشد و در مقابل کار کردنش منافعی را به دست بیاورد، دوم سرمایه و کار که هر دو در جریانات اقتصادی موثر باشند یعنی سرمایه از یک نفر و کار از طرف دیگر مانند مزارعه و مساقات و مضاربه و جعاله و امثال اینها درحالی که در باب ربا کار فقط از طرف بدهکار صورت می گیرد، اسلام اجازه نمی دهد دست رنج یکی به کیسه دیگری برود و خودش روز به روز فقیرتر و بدهکار تر و محروم تر بشود و در قران کریم نیز با شدت از ربا نهی شده.

از طرفی با توجه به قران و روایات ربا گناه بسیار بزرگی شمرده شده و از طرفی اشخاصی با توجه به سود جوئی و حب مال می خواهند ربا بخورند لذا به فکر حیلی برای حلیت ربا افتادند، حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داریم که فرمودند اگر دو گرگ گرسنه در میان گله گوسفندان رها بشوند درحالی که گله گوسفندان در جایی هستند که هیچ راه فراری ندارند، آن دو گرگ گرسنه چقدر به گله گوسفندان ضرر وارد می کنند؟ حب مال و حب مقام در دین مسلمان بیشتر از این ضرر و فساد ایجاد می کند، ما اخبار و احادیث را در یک محیط کوچک و برای فردی خاص در نظر می گیریم درحالی که این احادیث برای کل جهان و کل انسانها و کل ازمه می باشند، علی ای حال اسلام اصالت را به کار می دهد ولی در باب ربا اصالت با پول است فلذا برخی خواسته اند با درست کردن حيله هائی هم به کار خودشان مشروعیت ببخشند و هم ربا بخورند، این حیل هم در فقه ما و هم در فقه عامه وجود دارد، در جلد ۴ از کتاب "المغنی و شرح الکبیر" که ۱۲ جلد است و از کتب عامه می باشد در مورد حیل ربا بحث

کرده و روایاتی را نیز درباره حرمت ربا نقل کرده من جمله اینکه بلال خدمت پیغمبر رسید درحالی که خرمای بسیار خوبی همراهش بود، حضرت به او فرمود خرمای خیلی خوبی با خود آورده ای، بلال گفت من دو صاع خرمای پست دادم و یک صاع خرمای خوب گرفتم، حضرت به او فرمود این ریاست، چون هر دو از یک جنس هستند و این همان ربای معاملی می باشد بنابراین ربا و حیل ربا هم در فقه ما و هم در فقه عامه نقل شده است.

عرض کردم که ربا بر دو قسم قرضی و معاملی می باشد و بیشتر حیل ربا در ربای معاملی بکار برده می شود.

بعضی از افراد از طریقی میخواهند به همان سودهایی که از راه رباخواری بدست می آید دست پیدا کنند و از طرف دیگر میدانند که در دین اسلام تاکید و تشدید فراوانی برای ترك ربا بعمل آمده و رباخواری یکی از گناهان کبیرهای است که در قرآن مجید ظلم و جنگ با خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله محسوب و وعده عذاب آتش همیشگی درباره آن داده شده است و در فرهنگ اهل بیت عصمت علیهم السلام گناه يك درهم ربا بیش از ۷۰ مرتبه زنا با مادر خود در خانه کعبه معرفی شده است لذا به فکر حيله شرعی میافتنند و می خواهند راه چاره ای پیدا کنند بطوری که هم به سود و منفعت که نتیجه رباخواری است برسند و هم ربا نخورده باشند یعنی طوری عمل کنند که بر معامله آنها عنوان "ربا" صدق نکند، این حيله ها هم در ربای معاملی و هم در ربای قرضی از دیر زمان مطرح بوده است که برخی از اینها در هر دو راه پیدا می کند و بعضی از آنها اختصاص به ربای قرضی و یا معاملی دارد.

ما در اینجا این راه ها را ذکر می کنیم و از این پس به این بحث می پردازیم که آیا این حيله ها مجوز دستیابی به منافع که از راه رباخواری ممکن بود بدست بیاید می شود یا نه؟

و این حيله ها به این شرح است :

۱. ضمّ ضمیمه: این حيله به این مطلب مربوط می شود که قبلاً گفتیم و کالای همجنس را مثل برنج یا گندم هنگامی در يك معامله معاوضه می کنند اگر يك طرف در وزن یا پیمانه بیش از طرف دیگر باشد "ربا" لازم می آید، این مطلب را نیز در پیش گفته ایم که درجه بالا و درجه پائین از يك نوع ، يك جنس محسوب می شود بنابراین اگر يك كيلو برنج از درجه اعلا را بایك كيلو برنج از درجه پست معامله کنند باید زیادتی در بین نباشد و اگر فکر کنند که چون این دو كيلو از جهت ارزش باهم فرق دارند، و يك كيلو برنج اعلا، دو برابر برنج پست ارزش دارد پس ، دو كيلو برنج پست را در برابر يك كيلو برنج خوب معامله می کنیم این ربا و حرام است و اکنون برای فرار از ربا به يك كيلو برنج اعلا يك سیر نبات یا يك قوطی کبریت مثلاً ضمیمه می کنیم سپس آن را با دو كيلو برنج پست معاوضه می کنیم که در این صورت با انضمام يك سیر نبات و یا يك قوطی کبریت عنوان عوض شده است و معامله دوچیز همجنس با هم صورت نگرفته است بنابراین با تغییر عنوان معامله همجنس از لزوم "ربا" تخلص حاصل شد . کسانی که حيله ضمیمه کردن چیزی به طرف ثمن یا مثنی را برای فرار از ربا کافی می دانند تصریح می کنند که در این مورد فرقی نیست که آن ضمیمه باندازه اضافه ای که در طرف دیگر موجود است ارزش داشته باشد یا نه ولذا باضمیمه يك قوطی کبریت به يك من برنج می توان آنرا با ده من برنج معامله کرد.

علامه حلی در مختلف الشیعة حدوداً ۳۰ صفحه در مورد حیل ربا بحث کرده که معلوم می شود مسئله مهمی بوده، خلاصه امام رضوان الله علیه حیل ربا را قبول ندارد و ما نیز درست نمی دانیم.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین